

[نصف قیمت‌ها](#)

آن سال مردم منتظر نیمه اسفند نماندند و از همان روزهای اول آخرین ماه سال، خرید عید را آغاز کردند.



آن سال مردم منتظر نیمه اسفند نماندند و از همان روزهای اول آخرین ماه سال، خرید عید را آغاز کردند. خودروها کنار خیابان و در محل توقف ممنوع ردیف شده بودند و به جای آگهی‌های تبلیغاتی که آموزش زبان انگلیسی در 2 ماه را وعده می‌داد، زیر برف پاک‌کن‌ها یک برگه جریمه خودنمایی می‌کرد. ما هم وقتی قیمت‌های خط‌خورده روی برچسب لباس‌ها را دیدیم برای خرید به صرافت افتاده و خودرو را کنار خیابان پارک کردیم. با یک حساب سرانگشتی به این نتیجه رسیدیم که خرید کت و شلوار 300 هزار تومانی به قیمت 150 هزار تومان صرفه اقتصادی دارد و 10 هزار تومان جریمه شدن توسط پلیس زیاد مهم نیست. داخل مغازه جای سوزن‌انداختن نبود و صندوقدار مغازه از صندوقدار بانک سر چهارراه بیشتر پول می‌شمرد. کت و شلوار را خریدیم، برگه جریمه را برداشتیم و برای دیدن فیلم به سینما رفتیم. موقع بازگشت همان کت و شلوار را در مغازه‌ای دیگر با قیمت 100 هزار تومان دیدیم و چشمانمان حسابی گرد شد. با لب و لوجه آویزان وقتی جریان را جویا شدیم فروشنده در توضیح گفت که آنها حراج واقعی و زیر نظر اتحادیه دارند. برگه مجوز و تایید حراج را که دیدیم تازه متوجه شدیم که در مغازه اولی چه کلاه گشادی سر ما رفته است.